

## مدیریت شهری محله محور با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی

### (نمونه: محله‌های شهری منطقه ۱ شهرداری تهران)

جلال عظیمی آملی<sup>۱</sup>

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران

سمر ارشادی وهرام

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

#### چکیده

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت‌سازی محلی، تقویت رویکرد نهادی-سازمانی و در نهایت حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی معطوف شده است. بنابراین لزوم "استفاده از ظرفیت‌های محله‌ای" و "بازتعریف نقش شهروندان و کنشگران مدیریت شهری" در سطح محله‌های شهری و هم‌چنین شناخت مفهوم "برنامه‌ریزی مشارکتی" و کارکردهای آن در سطح محلی ضروری بوده و به شکل‌گیری و اجرای الگوی جدید از مدیریت شهری در سطح محلات به عنوان مدیریت محله محور کمک کرده است. این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا مشارکت مردم در مدیریت بهینه و پایدار محله‌های شهری تاثیرگذار است؟ به عبارت دیگر، آیا برای داشتن مدیریت شهری محله محور پایدار به مشارکت و همفکری مردم (شهروندان) نیاز است؟ برای پاسخگویی به این سؤال، از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (پیمایشی) استفاده شده است که در روش کتابخانه‌ای با استفاده از فیش تحقیق و در روش میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه و در قالب طیف لیکرت، اطلاعات موردنیاز گردآوری شده است، جامعه آماری این تحقیق براساس فرمول کوکران، ۳۸۳ شهروند ساکن در محله‌های زعفرانیه، ولنجک، دزاشیب، گلابدره و امامزاده قاسم هستند که بصورت تصادفی انتخاب شدند، اطلاعات میدانی گردآوری شده پس از تلخیص و طبقه‌بندی و کدگذاری وارد نرم‌افزار SPSS شده و سپس با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، واریانس، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T تک نمونه‌ای) به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته و به سؤال تحقیق پاسخ داده می‌شود. نتایج حاصل از مشاهدات میدانی و آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که بین میزان مشارکت مردم و مدیریت محله‌های شهری رابطه وجود دارد و با دخالت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، مدیریت مطلوب و پایدار محله‌های شهری محقق خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** محله، برنامه‌ریزی محله محور، برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت محله‌های شهری

## ۱- مقدمه

محل‌های شهری یکی از عناصر مهم و مؤثر تشکیل دهنده حیات اجتماعی شهری هستند. در گذشته، نقش و کارکرد محل‌ها، موجب می‌شد که افراد ساکن، پیوندهای اجتماعی بیشتری نسبت به امروز داشته باشند. در نظریه‌ها و رویکردهای مختلف مرتبط با توسعه محل‌های نوین، اهمیت مشارکت اهالی محل، در قالب الگوهای برنامه‌ریزی فرآیندگرا و تعامل محور، هم‌چنان مورد تأکید قرار گرفته است. (مدنی پور، ۱۶۳، ۱۳۸۳) در این میان برنامه‌ریزی اجتماعات محلی با بهره‌گیری از دیدگاه پایین به بالا، بر توانمندسازی، افزایش سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محل‌ها تأکید دارد (عظیمی آملی و همکار، ۱۳۹۳، ۷۶). برنامه‌ریزی محل‌ها محور در برنامه‌ریزی شهری، با هدف گردهم آوردن گروه‌های مختلف درگیر یا ذینفع و توجه به نیازها و خواسته‌های همگانی ایشان در تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها مطرح شده است، این نوع برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی است که در مقیاس کوچک شهر (محل‌ها) همراه با استفاده از نیروها و پتانسیل محلی و مشارکت و شریک قرار دادن مردم در روند تهیه و اجرای طرح‌ها به انجام می‌رسد و می‌تواند گامی مؤثر بر افزایش پایداری شهر و حذف چهره نامطلوب زندگی از محل‌های شهر، بردارد، چرا که مصرف‌کنندگان نهایی طرح‌ها مردم هستند و به همین جهت، شریک کردن آنان در فرآیند برنامه‌ریزی موجبات کارآیی بیشتر طرح‌ها شده، در نتیجه نویدیک محل‌ها خوب، شهر خوب و کشور خوب را خواهد داد.

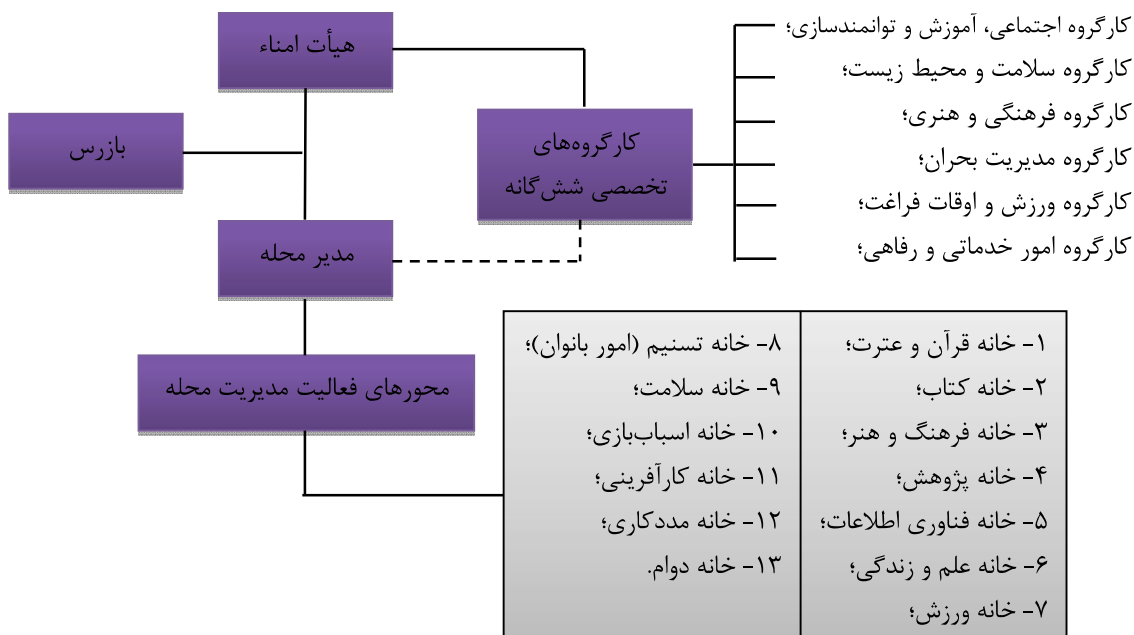
رشد فزاینده‌ی ابعاد شهرنشینی و پیچیدگی ماهیت مسائل شهری موجب شده که تأکید و توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش از هر زمانی به مقوله‌ی مشارکت در سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهروندان معطوف شود. (Friedman, 1993, 43) از دیدگاه برنامه‌ریزان شهری، برنامه‌ریزی در سطح محل‌ها یک فرصت بسیار مهم برای پیشبرد اهداف طرح‌های دولتی و تقویت و مدیریت رشد می‌باشد. (Singhal, 2009, 43) موضوع مشارکت از جمله مباحثی است که بسیاری به آن پرداخته‌اند و با نگاهی تاریخی به این موضوع در می‌یابیم که صرف نظر از برخی فعالیتهای مشارکت جویانه که در فرهنگ ایرانیان وجود دارد، متأسفانه در سطح مشارکت شهروندان در سطوح پایین قرار داشته است. مدیریت جدید شهری با محور قرار دادن محل‌های شهری قصد دارد با درک نیازهای شهروندان محلی با آگاه ساختن سطوح بالاتر از خواسته‌های آنان و به عبارتی دیگر همسو کردن آنها، هم‌مدیران شهر را در تأمین نیازهای ساکنان شهر یاری دهد و هم شهروندان در سرنوشت خود دخالت کنند و زمینه مساعدی برای رضایت بیشتر آنان فراهم شود. یکی از سطوح مشارکت، مشارکت در سطح مدیریت محل‌ها می‌باشد. اخیراً با تشکیل شورایی‌ها به عنوان حلقه اتصال مدیریت شهری و شهروندان، نقش مردم در مدیریت محلات و به تبع آن در مدیریت شهر پررنگ‌تر شده است. به دلیل کوچک بودن مقیاس محل‌ها، مشارکت مردم در این مقیاس ملموس‌تر و نتایج آن مشخص‌تر بوده و نمود بیشتری دارد. اهمیت و ضرورت توجه به نقش مدیریت محل‌ها برای افزایش مشارکت مردم در برنامه‌های محل‌ها محور، می‌تواند به تعامل سایر سازمان‌ها در ساختار مدیریت شهری و در نتیجه توسعه‌ی پایدار شهری منجر گردد. تجربه کشورهای مختلف جهان در طرح‌های توسعه‌ی شهری نشان می‌دهد که موفقیت طرح‌ها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج بوده و در گرو مشارکت مردم و نهادهای محلی بوده و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره عمومی، می‌توان به موفقیت‌های

مطلوب دست یافت. مشارکت واقعی، آگاهانه و مؤثر مردم در طرح‌های توسعه شهری در سایه وجود و حضور جدی گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs) و از جمله سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) میسر است. بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری به منظور شناخت جایگاه مشارکت شهروندان در افزایش کارایی طرح‌های شهری به ارائه راهکارهای مناسب در راستای ورود شهروندان به این عرصه منجر می‌شود. از این رو در این پژوهش، مدیریت محله‌های شهری منطقه یک شهرداری تهران با رویکرد برنامه ریزی مشارکتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

#### ۳-۱- مدیریت محله

مدیریت محله، فرآیندی است قانونی و مورد پذیرش و اجماع مدیریت شهری در جهت کاهش تصدی‌گری، برون-سپاری، گسترش و نهادینه کردن مشارکت آگاهانه و اثربخش مردمی و واگذاری فضاها، ابنیه و فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و ورزشی در سطح محله به مدیریت محله. تحولی ساختاری در جهت تحقق رویکرد محله محوری و گامی ارزنده برای فراهم کردن شرایط لازم برای تغییر رویکرد شهرداری از سازمانی خدماتی به نهادی اجتماعی. شکل (۱) ساختار و محورهای فعالیت مدیریت محله در شهر تهران را نشان می‌دهد:



شکل (۱): ساختار و محورهای فعالیت مدیریت محله در شهر تهران (منبع: manategh.tehran.ir)

#### ۳-۲- رویکرد محله محوری

رویکرد محله محوری و برنامه‌ریزی محله‌ای باهدف گردهم آوردن گروه‌های مختلف درگیر یا ذی‌نفع در برنامه-ریزی و توجه به نیازها و خواسته‌های همگانی ایشان در تدوین برنامه‌ها به حوزه برنامه‌ریزی وارد شده است. این شیوه به طور عمده بر چهار مفهوم رهبری محله‌ای، چشم‌انداز تام راهبردی، درگیر شدن محله و کارکرد مشارکتی

متکی است. رهبری محله‌ای بر عهده شوراها یا انجمن‌های محلی است؛ چشم‌انداز تام راهبردی باید چندجانبه نگر باشد و مسائل زیست - محیطی اجتماعی، اقتصادی منطقه را یکجا در نظر داشته باشد، درگیر شدن محله به منزله شکستن سلسله مراتب از بالا به پایین برنامه‌ریزی و حضور همه بازیگران سازنده یا استفاده‌کننده از برنامه در تدوین و اجرای آن است و بالأخره در بعد فعالیت مشارکتی حداقلی از توافق باید به عنوان وجه اشتراک مبانی کار تمامی کارگزاران برنامه قرار گیرد (امین ناصری، ۱۳۸۶؛ ص ۱۱۹).

به منظور رشد پایدار مناطق شهری در سطح محلی، با در نظر داشتن و تابعیت از اهداف سیاست‌های ملی اقتصادی و اجتماعی، رویکرد محله محوری به عنوان روش نوین مدیریت شهری با تأکید بر اجتماعات محلی را می‌توان بخش ناگسستنی از مسئله تمرکززدایی دانست (فنی، ۱۳۹۲، ص ۳۷). افزون بر این، آن چه که رویکرد محله محوری را در ارتباط تنگاتنگ و سیستماتیک و منظم با مدیریت هماهنگ شهری قرار داده است، لزوم هماهنگی و یکپارچگی سیستم مدیریت و اداره شهر است. به عبارت دیگر، در اجرای نظام محله محوری، ارتباط، هماهنگی و عدم تداخل مدیریت محلی و برنامه‌های اجرایی آن با مجموعه‌های بالاتر از آن (سیستم شهر و فراتر از آن) مدنظر است (معصومی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶).

جدول شماره (۱) به بیان ویژگی‌ها و مشخصه‌ها برنامه‌ریزی محله محور می‌پردازد:

جدول شماره ۱: مشخصه‌های برنامه‌ریزی و رویکرد محله محور

ردیف	مشخصه‌ها و ویژگی‌ها
۱	مردم‌گرا بوده و شهروندان در کانون توجه آن قرار دارند.
۲	مشارکت جوانه و پاسخ‌گوست.
۳	کل‌نگر بودن و توجه به همه جنبه‌های زندگی شهروندان
۴	متکی بر توان‌ها و فرصت‌های موجود بوده و نه لزوماً متکی بر نیازها (ظرفیت‌سازی).
۵	استفاده از رویکرد همکاری و تشریک مساعی بین دولت، بخش خصوصی و اجتماعات محله‌ای (توجه به حکمروایی خوب شهری)
۶	هر نوع اقدام مداخله‌ای در این نگرش باملاحظه جنبه‌های پایداری (اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و نهادی) صورت می‌گیرد.
۷	پویایی و انعطاف‌پذیری که فعالیت برنامه‌ریزی را به عنوان یک نگرش فرآیندی و یادگیری مدنظر قرار می‌دهد.

(منبع: موسوی، ۱۳۸۵، ص ۲۳)

### ۳-۳- برنامه‌ریزی مشارکتی

برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مشارکتی فرآیندی است که هدف نهایی آن در خلق محیط زیست سالم و محل اسکان ایده آل برای یکایک شهروندان است. این فرآیند بصورت نامتمرکز بوده و به جای تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی و از بالا، به مدیریت محلی و مردم اتکا دارد و همکاری میان بخشی و مناسبات مشارکتی را با تعریف دقیق نقش و مسئولیت هر یک از طرف‌های مشارکت، اساس کار قرار می‌دهد. (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۷) بر اساس نظریه برنامه‌ریزی میانجی‌گری که در سال ۲۰۰۴ در بریتانیا مطرح گردید، "برنامه‌ریزی مشارکتی" مجموعه‌ای است از فرآیندهایی است که از طریق آن گروه‌ها با تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه یک برنامه و نحوه انجام آن به توافق برسند (حبیبی، ۱۳۸۴: ۴) افزون بر این، برخی از محققان و پژوهشگران، "برنامه‌ریزی مشارکتی" را فرایند توانایی مستمر و یا ثبات بیان و تحلیل مسائل، تنظیم و طرح راه حل‌ها، تحرک منابع و به کارگیری آن‌ها در همه‌ی سطوح مورد نیاز، به گونه‌ای که افراد بتوانند بر فرآیندهایی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد نظارت و کنترل داشته باشند، دانستند. (Peris et al, 2011, 85) و برنامه‌ریزی مشارکتی مؤثر را آن نوع برنامه‌ریزی دانستند که شهروندان را

قادر می‌سازد تا به تصمیم‌ها و نتایج برنامه‌ریزی شکل دهند و در ضمن توانایی‌های اجتماعی و سیاسی خود را ارتقاء بخشند (Laurian, 2004, 57)، در برنامه ریزی مشارکتی، مشارکت شهروندان در مدیریت محله‌های شهری را می‌توان نگرشی پراگماتیسی و واقع بینانه در برخورد با نارسایی‌های ناشی از برنامه‌های از بالا به پایین تلقی کرد. (UNHSP, 2009, 65)، این درحالیست که در جوامعی که تعداد افراد آسیب پذیر آنها زیاد است، مشارکت در امور شهری باعث افزایش عزت نفس، افزایش تعاملات اجتماعی و افزایش تجربه و مهارت مشارکت کنندگان می‌گردد. (Saunders, 2003, 120) از مهمترین مزایای برنامه‌ریزی مشارکتی می‌توان به افزایش سطح آگاهی عمومی جامعه اشاره نمود. چراکه مردم از طریق مشارکت نسبت به حقوق خویش آگاه می‌گردند. آنان به عنوان عاملان فعال عمل خواهند کرد نه به عنوان پاسخگویان منفعل، همچنین ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و تعلق به جامعه از دیگر مزایای برنامه‌ریزی مشارکتی است به طوری که مشارکت عمومی یک حس واقعی و اصیل مسئولیت جمعی و حس وابستگی به جامعه را خلق می‌کند که این امر خودبه خود سبب درگیر شدن فعالانه مردم در مشارکت و اجرای طرح می‌گردد. (Saunders, 2003, 120) برخی دیگر از مزایای برنامه‌ریزی مشارکتی بدین شرح است:

✓ بهبود کیفیت طرح‌ها و برنامه‌های شهری از طریق اتخاذ تصمیمات درست و منطقی‌تر.  
 ✓ تدوین هدف‌های صحیح‌تر برای برنامه‌ها و طرح‌های شهری - با توجه به شناخت بهتر مردم از امکانات، محدودیت و اولویت‌ها.

✓ افزایش شناخت برنامه ریزان نسبت به شهر و محل مورد برنامه.

✓ برقراری پیوند میان مردم و طرح‌ها و برنامه‌های شهری؛ کاهش هزینه و زمان اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها.

✓ ارتقای کیفیت اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها.

✓ پذیرش طرح‌ها و برنامه‌های شهری توسط مردم و درگیر ساختن شهروندان در فرآیند طراحی و برنامه ریزی که

سبب ترویج دیدگاه‌های هرچه مثبت‌تر نسبت به طرح می‌گردد. (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۷)

براین اساس مهمترین نظریه‌های برنامه ریزی مشارکتی، در جدول شماره (۲) آورده شده است:

جدول شماره ۲: نظریات مطرح در باب برنامه ریزی مشارکتی

تشریح	انواع نظریات
این نظریه معتقد است یک گروه اجتماعی وجود دارد که در حال حاضر بیش از سایر گروه‌ها به یاری برنامه‌ریزان نیازمند است و آن گروه مرکب از خانواده‌هایی است که درآمد اندکی دارند. در این نوع برنامه‌ریزی، افزایش توجه به افراد و گروه‌های محروم، اثرگذاری بر تصمیمات افرادی که از قدرت تصمیم‌گیری و سایر جنبه‌های قدرت بهره برده‌اند و نیز گسترش نسبی مشارکت مردمی در فرآیند برنامه‌ریزی، مورد توجه است. از این رو این مدل برنامه‌ریزی را مساوات طلب یا عدالت محور نیز می‌نامند. (مقیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱)	برنامه ریزی پشتیبان یا حمایتی یا وکالتی
در این نظریه رابطه دو جانبه بین مردم و برنامه‌ریزان وجود دارد و هر دو از یکدیگر آموزش می‌گیرند و بر سر راه حل‌ها به توافق می‌رسند. (صالحی، ۱۳۷۹، ص ۹۳-۹۴)	برنامه‌ریزی مرادده‌ای یا ارتباطی
در این نظریه برنامه‌ریزی در جوامع فعال نیازمند به بسترهای دموکراتیک می‌باشد که از طرف مردم برنامه‌ها به سوی برنامه‌ریزان هدایت می‌شود و این مدل به نوعی از برنامه اطلاق می‌شود که از پایین به بالا بوده و توسط مردم هدایت جمعی یا اجتماعی صورت می‌گیرد و جامعه در برنامه‌ریزی دخالت داده می‌شود. (مقیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳)	نظریه هدایت اجتماعی
در این نظریه در فرآیند برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری در برابر مردم پاسخگو و مسئول بوده و مدل مبتنی بر حق تکلیف در ارتباط با برنامه ریزان و مدیران از یک طرف و مردم و شهروندان از طرف دیگر مورد توجه بود. در چنین فرآیندی که کاملاً مبتنی بر نظام‌های دموکراتیک و مردم‌سالارانه هست مردم در مفهوم شهروند هم دارای حقوق شهروندی بوده و هم دارای تکلیف در برابر جامعه و حاکمیت دارای تکلیف هستند، از سوی دیگر، تصمیم‌گیران در مفهوم مدیران شهری نیز دارای حقوق خاص و مسئولیت پاسخگویی در برابر مردم هستند این سیستم معروف به "مدیر- شهروند" بوده و در مقابل سیستم ارباب - رعیتی که فقط شهروندان مکلف به پذیرش بوده و فاقد حق می‌باشند قرار می‌گیرد.	نظریه پاسخگو

علاوه بر نظریه‌های مطرح در زمینه برنامه ریزی مشارکتی، دیدگاه‌های مختلفی نیز در زمینه مشارکت شهروندی وجود دارد که اشکال متنوعی از مشارکت را به تصویر می‌کشد. این اشکال، از پایین‌ترین سطح مشارکت تا بالاترین سطح آن را شامل می‌شود که باختصار در جدول (۳) بیان شده است:

(جدول شماره ۳: دیدگاه‌های مطرح در زمینه مشارکت شهروندی)

شرح	نوع مشارکت
مردم خود مبتکر پروژه بوده، مردم کنترل منابع پروژه را در دست داشته و جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند.	مشارکت خودانگیخته
مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت دارد، مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند.	مشارکت تعاملی (کنشی)
مشارکت از سوی نهاد خارجی به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، به‌خصوص کاهش هزینه‌ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از این که تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شد و اهداف پروژه مشخص شد، جهت تحقق اهداف تعیین شده، مشارکت می‌کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکت، مردم در جذب اهداف موردنیاز خارجی، از اهداف خود دست می‌کشند.	مشارکت عملکردی
مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی مشارکت می‌نمایند.	مشارکت با انگیزه‌های مادی
نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویت‌های مردم در نظر گرفته می‌شود. مجریان پروژه هیچ تعهدی نسبت به تحقق اولویت‌های مردم به عهده نمی‌گیرند.	اطلاعات دهی و مشورت کردن
به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد بدون اینکه نظرات آن‌ها خواسته شود.	مشارکت انفعالی
تظاهر به مشارکت است که انجام می‌پذیرد، بدون اینکه این افراد انتخاب شده باشند و یا حق انتخاب داشته باشند.	صورت و فریب (ظاهر فریبانه)

(منبع: مرادی، ۱۳۸۰)

#### ۴- پیشینه تحقیق

بازرسی منابع و متون توسعه، پژوهش‌های زیادی توسط محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی و سازمان‌های جهانی بر اساس نیاز به اصول مدیریت محلی و برنامه ریزی مشارکتی انجام یافته که در این مقاله با رعایت اختصار به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

خدارحم بزی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی نقش و تأثیر شورایاران محلی بر افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری محله محور (مطالعه‌ی موردی: شهر گرگان)" با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با روش جمع آوری داده‌ها و اطلاعات به صورت پیمایشی، به این نتایج رسیدند که بین عملکرد شورایاران محلی و مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد به گونه‌ای که با سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت با افزایش تقویت عملکرد شورایاران محلی، میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مرتبط با مدیریت شهری نیز افزایش خواهد یافت.

زهره فنی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت و مشارکت محله‌ای (مورد مطالعه: محله‌های سلیمانی (تیموری) و هاشمی منطقه ده شهر تهران)" با روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی به بررسی مفهوم سرمایه‌های اجتماعی و ارتباط آن با مدیریت محله پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر وجود تفاوت معنادار بین سرمایه‌های اجتماعی در دو محله می‌باشد که این امر تأثیر خود را به صورت متفاوت در میزان مشارکت ساکنین محلات گذاشته است، همچنین علی‌رغم بالا بودن سرمایه‌های اجتماعی در محله تیموری به نسبت محله هاشمی، میزان آشنایی و میزان مشارکت واقعی در محله هاشمی از محله تیموری بیشتر می‌باشد، این امر نشان دهنده‌ی این است که سرمایه‌های اجتماعی در محله تیموری کمتر مورد بهره برداری قرار گرفته و در مشارکت واقعی ساکنین تأثیر چندانی نداشته است.

فرزانه ساسان پور و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان " جایگاه محله در توسعه پایدار شهر (مورد مطالعه: محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری تهران)" با هدف بررسی میزان پایداری محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری تهران و با استفاده از روش فازی، از ۸۶ شاخص در ابعاد کالبدی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، خدماتی، زیست‌محیطی، بهداشتی- درمانی و حکمرانی شهری استفاده کرده است، نتایج تحقیق نشان داد که پایداری محله‌های این منطقه در سطوح متوسط، متوسط روبه ضعیف و ضعیف قرار دارند. محله سلسبیل شمالی با مقدار ۰/۵۳۹۳ در وضعیتی متوسط قرار داشت که بهترین وضعیت را در بین محله‌ها داشته و بدترین وضعیت مربوط به محله هاشمی با مقدار ۰/۳۰۸۲ بوده است.

محمد رضا رضایی و همکار (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان " بررسی راهکارهای موثر در ایجاد محله پایدار با رویکرد مشارکتی (مطالعه موردی: محله راهنمایی یاسوج)" که به شیوه توصیفی- تحلیلی و با رویکرد غالب اسنادی- پیمایشی در سطح محله راهنمایی در ناحیه یک شهری در یاسوج در سال ۱۳۹۳ انجام شده بود، به دنبال آسیب‌شناسی تنگناها و پتانسیل‌های برنامه‌ریزی محله محور پایدار در سطح محله مورد مطالعه بوده است. در این تحقیق نشان داده شده که تحقق رویکرد نوین محله محوری در شهر یاسوج به دلیل ویژگیهای سیستم کلان و محلی مدیریتی کشور و به دنبال آن ناپایداری آشکار ابعاد مختلف کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیک محله راهنمایی در یاسوج، نیازمند سازماندهی مجدد و برنامه‌ریزی در چهار محور مدیریت یکپارچه، منابع مالی پایدار، نیروی انسانی کارآمد و متخصص شهری و نیز قوانین و مقررات پشتیبانی کننده- به عنوان عوامل مشترک تحقق محله محوری است. این مهم جز با عبور از رویکرد سنتی کنونی و دقت نظر در عناصر برنامه‌های موفق جهانی و سپس تحلیل، به روز رسانی و بومی سازی آنها مطابق با فرهنگ و شرایط اقتصادی- اجتماعی حاکم بر ایران و شهر یاسوج میسر نخواهد شد.

حسین یغفوری و همکار (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان " بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد: شهر فسا)" با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی عملکرد مدیریت شهر فسا در رابطه با مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر پرداختند، در این تحقیق، پس از شناخت نظریات و الگوهای مختلف در تحقق عملی مشارکت دو پیش شرط ضروری یعنی گرایش و تمایل به مشارکت و امکان مشارکت (مدیریت شهری) تشخیص داده شد نتایج حاصل از ارزیابی عملکرد مدیریت شهری شهر فسا در رابطه با افزایش مشارکت شهروندان نشان می‌دهد که مدیریت شهری شهر فسا در این رابطه عملکرد ضعیفی را داشته است، به طوری که نتایج تحلیل داده‌ها این عملکرد را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

علی شمعی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان " راهبردهای توسعه محله‌ای با رویکرد مشارکتی از طریق دفاتر تسهیلگری (مورد مطالعه: بافت فرسوده محله جمهوری شهر تهران)" که با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از مدل GOSP، SWOT صورت گرفته به این نتایج رسید که نوسازی بافت‌های فرسوده و توسعه محله‌ای تنها یک فرایند فنی نیست و فرایندهای اجتماعی از جمله جلب مشارکت مردمی از طریق دفاتر تسهیلگری نقش تعیین‌کننده‌ای در نوسازی دارد و نوسازی بافت‌های فرسوده بدون مشارکت و نظارت مردم موفق نخواهد بود. اجرای

سیاست‌های تسهیلگری و مشارکت مردمی به صورت فعال و مستمر در قالب مدیریت یکپارچه شهری موفقیت بیشتری خواهد داشت. هم چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأسیس دفاتر تسهیلگری بافت فرسوده شهری در محله مورد مطالعه، با افزایش روند نوسازی بافت فرسوده رابطه معناداری دارد به گونه‌ای که این دفاتر نمادی از تسهیل مشارکت مردم در نوسازی بافت‌های فرسوده و هماهنگ کردن مردم به‌ویژه نخبگان، افراد بانفوذ محله از جمله شورایاران، هنرمندان و... به‌منظور برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بهینه محله بشمار می‌روند.

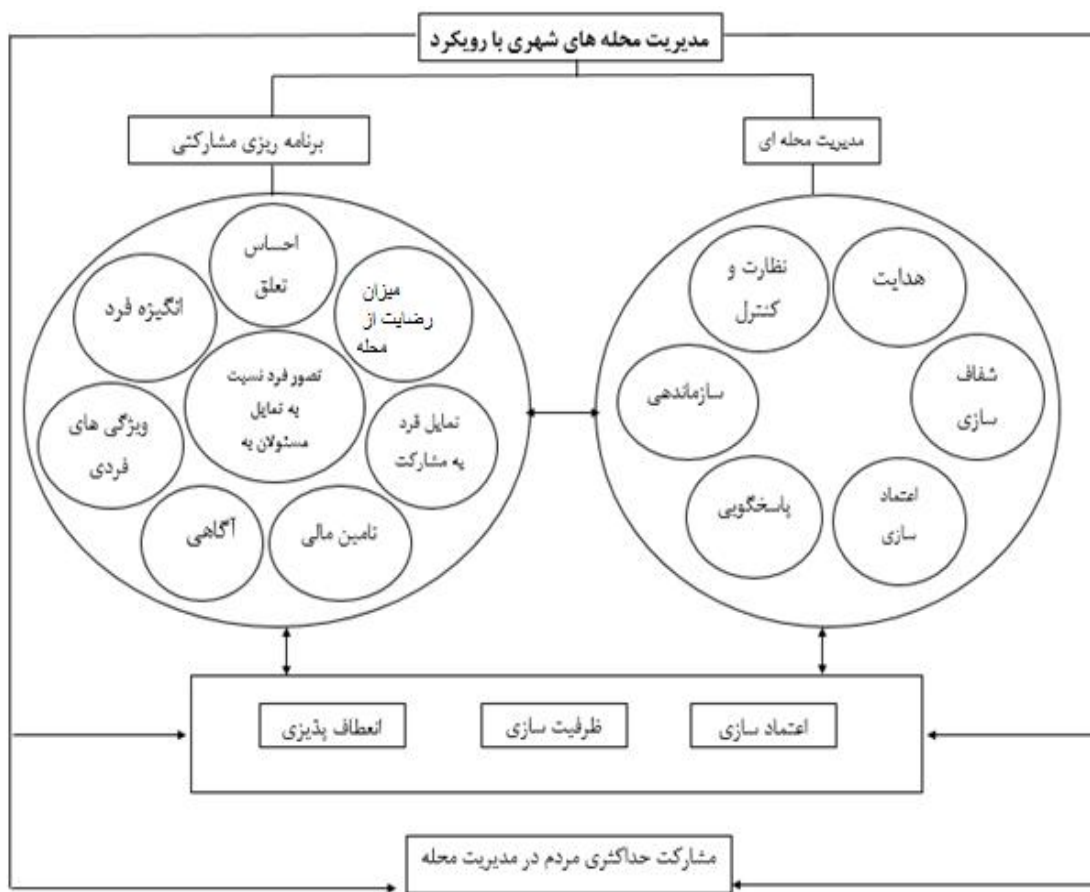
علی زنگی آبادی و همکار (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "شهروندی مشارکتی و نقش آن در بهینه سازی مدیریت شهری (نمونه مورد مطالعه: منطقه ۱ شهرداری مشهد)" باروش توصیفی - تحلیلی و با هدف سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۱ شهر مشهد انجام گرفته است، اساس کار این پژوهش پیمایش میدانی بوده و بر پایه برداشت‌های پیمایش میدانی و پرسش داده نامه سازمان یافته است، نتایج توصیفی مشارکت نشان داد که بیشتر شهروندان منطقه ۱ در اموری مانند حفاظت از پارک‌ها و فضاهای سبز، پرداخت عوارض شهری و شرکت در اداره امور شهری مشارکت بیشتری داشته‌اند و میزان مشارکت شهروندان در ارائه نظرها و پیشنهادها به مدیران شهری در سطح پایین‌تری بوده است، نتایج تحلیلی داده‌ها نشان داد که با بالا رفتن حس تعلق شهروندان به محل سکونت، افزایش رضایتمندی آنان از امکانات و خدمات شهری و ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها، تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد.

فرشادنوریان و همکار (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تاکید بر شاخصه های سرمایه اجتماعی (نمونه مورد مطالعه: محله‌های ۷ گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران)" باروش تحلیل داده‌های ثانویه و روش پیمایشی، در محدوده پژوهش به این نتایج رسیده که بین سرمایه اجتماعی و مدیریت محله محور همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و شدت این رابطه متوسط ارزیابی شده است، کسب بیشترین امتیاز در بعد سرمایه اجتماعی شناختی توسط شاخص آگاهی، نشان از تلاش‌هایی داشته که در سطح محلات توسط مدیریت محله محور در راستای اطلاع رسانی صورت گرفته است.

کتایون علی زاده و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)" با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش مردم در مشارکت اداره امور شهر مشهد پرداخته و این نقش‌ها را به ترتیب میزان مشارکت بیشتر مردم اولویت بندی نموده و از این طریق نقاط ضعف و قوت مشارکت مردم را در اداره امور کلانشهر مشهد مورد شناسایی قرار دادند. نتایج حاصله از تحقیق نشان داد که نقش مردم در اداره امور شهر (منطقه ۱۰ شهرداری مشهد) به ترتیب اولویت در مشارکت ذهنی - معنوی با ۴۲٪، مشارکت سیاسی با ۳۴٪، مشارکت فیزیکی با ۲۷٪، مشارکت مالی با ۲۳٪ و مشارکت ابزاری با ۳٪ مشارکت در رتبه های اول تا پنجم قرار گرفتند. میزان مشارکت کلی که حاصل تلفیق میزان مشارکت در نقش‌های پنجگانه فوق بود نیز با ۲۶٪ مشارکت نسبتاً کم ارزیابی گردید.

باتوجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مدل مفهومی مدیریت محله محور بارویکرد برنامه ریزی مشارکتی در شکل شماره (۲) نشان داده شده است:





(شکل ۲): مدل مفهومی تحقیق

##### ۵- مواد و روش ها و شناخت جغرافیای محدوده مورد مطالعه

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کاربردی - توسعه ای و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش های گردآوری اسنادی (کتابخانه ای) و میدانی (پیمایشی) استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، شهروندان ۵ محله ای (زعفرانیه، ولنجک، دزاشیب؛ گلابدره، امامزاده قاسم) شهرداری منطقه یک تهران است که بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ حدود ۱۳۶۸۰۰ نفر جمعیت داشتند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده که براساس محاسبات، تعداد ۳۸۳ نفر نمونه انتخاب شده است، روش نمونه گیری نیز بصورت تصادفی بوده که براساس جدول شماره (۵) انجام شده است، مهم ترین ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه بوده است که سؤالات آن با توجه به متغیرهای مستقل و وابسته و شاخص های در نظر گرفته شده، با استفاده از طیف لیکرت طراحی شده و بر اساس جدول زیر بین شهروندان محله های مورد مطالعه توزیع گردید. برای سنجش پایایی تحقیق، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده، که نتایج آزمون آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۷ را نشان می دهد که با توجه به عدد بدست آمده، می توان گفت که پرسشنامه توزیع شده از پایایی قابل قبولی برخوردار است. برای تحلیل داده ها از روش های آماری همچون آزمون آماری T-تک نمونه ای و ضریب همبستگی پیرسون، استفاده شده است.

جدول شماره ۵: انتخاب حجم نمونه براساس جمعیت محله‌های منطقه ۱

محلّه	جمعیت	ضرب	تعداد نمونه
زعفرانیه	۲۴,۵۰۰	۱۷,۹۱٪	۶۹
ولنجک	۳۲,۸۰۰	۲۳,۹۸٪	۹۲
دزاشیب	۱۱,۵۰۰	۸,۴۱٪	۳۲
گلاب دره	۵۰,۰۰۰	۳۶,۵۵٪	۱۴۰
امامزاده قاسم	۱۸,۰۰۰	۱۳,۱۶٪	۵۰
جمع	۱۳۶,۸۰۰	۱۰۰,۰۰٪	۳۸۳

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

#### ۴-۱- شتاخت محدوده مورد مطالعه

منطقه یک شهرداری تهران با مساحت 8944,3604 هکتار، شمالی‌ترین منطقه تهران به‌شمار می‌رود، به طوری که مرز شمالی آن بر مرز شمال تهران (خطوط ارتفاعی ۱۸۰۰ متری دامنه جنوبی کوه‌های البرز) منطبق است. این منطقه از غرب توسط اراضی رودخانه درکه، از جنوب توسط بزرگراه‌های چمران، مدرس، صدر با منطقه ۳ و از شرق به انتهای بزرگراه ارتش، کارخانه سیمان و منبع نفت شمال شرق تهران و از جنوب شرقی توسط بزرگراه ازگل با منطقه ۴ شهرداری هم‌مرز است. این منطقه به لحاظ طراحی شهری دارای بافتی روستایی است و می‌توان آن را "باغ شهر" نامید. (پورتال رسمی شهرداری منطقه ۱ تهران)، مشخصات محله‌های مورد مطالعه در این تحقیق بشرح زیر می‌باشد:

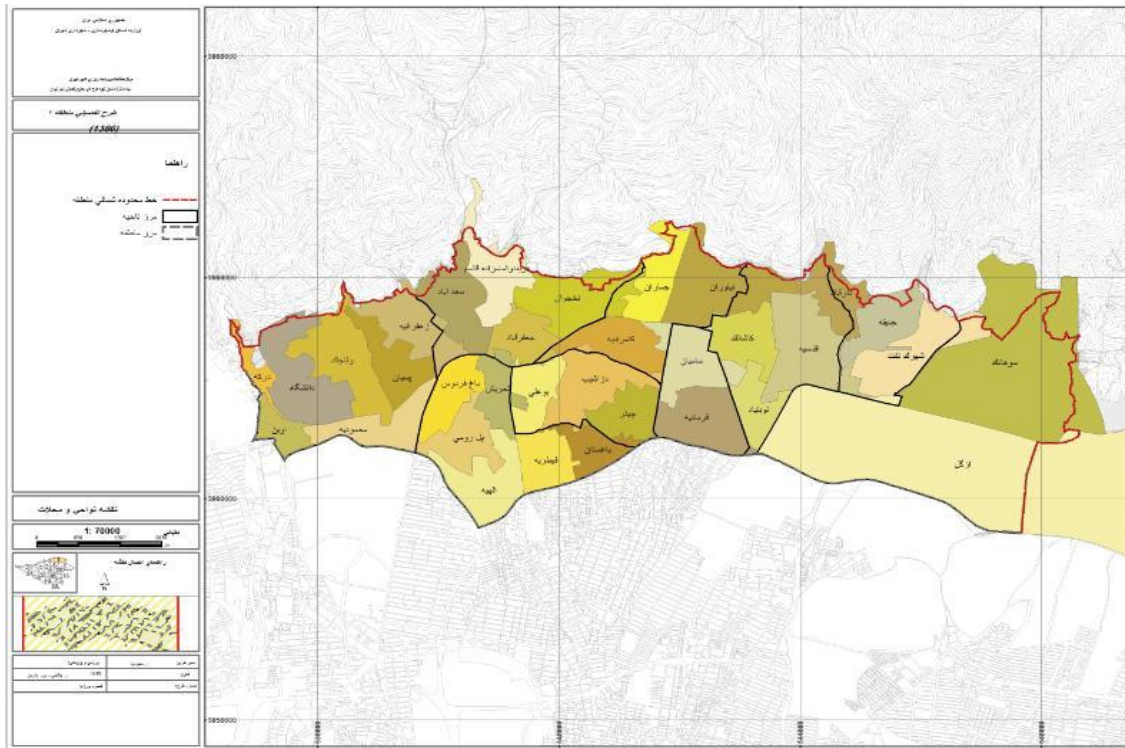
**محلّه ولنجک:** از شمال به ارتفاعات توچال و از جنوب به محله‌های محمودیه و محلّه اوین و از شرق به رودخانه ولنجک و از غرب به بلوار دانشجو محدود می‌شود.

**محلّه دزاشیب:** از شمال به امامزاده قاسم از جنوب به تپه قیطریه از غرب به خیابان شریعتی و از شرق به چیذر و فرمانیه محدود می‌شود.

**محلّه زعفرانیه:** از شمال به آبریزکوه از جنوب به محمودیه از غرب به ولنجک و از شرق به تجریش محدود می‌شود.

**امامزاده قاسم:** از شمال به خیابان بوکان و از جنوب به خیابان باهنر، از غرب به خیابان دربند و از شرق به میدان یاسر محدود است.

**محلّه گلابدره:** از شمال به ارتفاعات آبک از جنوب به خیابان ارغوان از غرب به رودخانه گلابدره و از شرق به خیابان حسنی‌کیا محدود است



نقشه شماره ۱: محله‌های شهری منطقه یک شهرداری تهران (منبع: شهرداری تهران، ۱۳۹۰)

## ۵- دستاوردهای پژوهشی

### ۵-۱- یافته‌های توصیفی

از میان ۳۸۳ پاسخگو ۲۰۳ نفر معادل (۵۲/۰۳) درصد را مردان و ۱۸۰ نفر معادل (۴۷/۰۷) درصد از جمعیت نمونه را زنان تشکیل داده‌اند که به لحاظ گروه‌های سنی، ۸/۱۱ درصد از پاسخگویان بین ۱۵ تا ۲۵ سال و ۱۷/۰۲ درصد بین ۲۵ تا ۴۰ سال، ۴۴/۸۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال و ۳۰/۰۴ درصد از آنان نیز بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند. به لحاظ وضعیت درآمدی، فقط ۱ درصد از پاسخگویان اذعان داشتند که درآمدی کمتر از یک میلیون تومان در ماه دارند، بقیه از وضعیت درآمدی بالای ۵ میلیون تومان در طی ماه برخوردار بودند، البته درصدی از پاسخگویان نیز حاضر به بیان وضعیت درآمدی خود نبودند. جامعه آماری مورد مطالعه به لحاظ سطح تحصیلات نیز تفاوت‌هایی را به نمایش می‌گذارد، بطوری که ۵/۷۴ درصد از پاسخگویان «بی سواد»، ۱۰/۷۲ درصد «زیر دیپلم»، ۱۷/۰۰ درصد از پاسخگویان، «دیپلم»، ۲۹/۰۰ درصد «فوق دیپلم»، ۲۶/۹۲ درصد لیسانس و ۱۰/۴۲ درصد از پاسخگویان نیز دارای تحصیلات «فوق لیسانس و بالاتر» بودند. جامعه آماری مورد مطالعه به لحاظ متغیر وضعیت ملکی نیز مورد پرسش قرار گرفت، براساس نتایج بدست آمده، ۷۲/۴۶ درصد از پاسخگویان وضعیت مالکیت واحد مسکونی خود را «شخصی»، ۲۶/۵ درصد «استجاری»، ۱/۰۴ «دولتی و سازمانی»، بیان کردند. در مورد وضعیت کیفیت بنا نیز، ۵۳/۲ درصد کیفیت بنای واحدهای مسکونی خود را نوساز، ۲۸/۵ درصد، مرمتی، ۱/۹ درصد، قابل نگهداری، ۱۵/۲ درصد تخریبی و ۱/۳ درصد نیز در حال ساخت اعلام کردند. به لحاظ سابقه سکونت، بیشتر پاسخگویان سابقه سکونت بین ۵ تا ۱۰ سال در محله‌های مورد مطالعه داشته‌اند، نتایج حاصله از مطالعات

میدانی نشان می‌دهد که ۲۷/۲ درصد از پاسخگویان سابقه سکونت ۵-۱ سال، ۴۹/۶ درصد سابقه سکونت ۱۰-۵ سال، ۱۶/۴ درصد، سابقه سکونت ۲۰-۱۰ سال، ۵/۲ درصد از پاسخگویان سابقه سکونت ۳۰-۲۰ سال و ۱/۶ درصد از پاسخگویان نیز سابقه سکونت بیش از ۳۰ سال در محله‌ها را دارند که نشان می‌دهد ۴۹ درصد پاسخگویان بین ۵ تا ۱۰ سال در آنجا سکونت داشته‌اند.

جدول شماره ۶: آزمون کلوگراف اسمیرنف برای بیان نرمال یا عدم نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرها

متغیرها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اماره آزمون کلوگراف اسمیرنف	سطح معناداری	وضعیت نرمال بودن
میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها	383	2.6632	.69444	1.198	.114	نرمال
دیدگاه مردم درباره مشارکت	383	3.1768	.66908	1.342	.551	نرمال
رضایتمندی از خدمات شهری	383	2.6469	.80088	1.157	.138	نرمال
مدیریت محله	383	2.3446	.61237	.991	.280	نرمال

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

با توجه به آزمون کلوگراف اسمیرنف در جدول شماره ۶ مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، سطح معناداری این آزمون برای تمام متغیرها، بیشتر از ۵ درصد است که این خود نشان از نرمال بودن داده‌های مربوط به این متغیرها است، بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک (از جمله آزمون T تک نمونه‌ای) برای تمامی متغیرها استفاده کرد.

با توجه به متغیرهای تحقیق، جدول شماره (۷) وضعیت پاسخگویان محله‌های مورد مطالعه را به لحاظ مشارکت آنها در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مسائل مربوط به مدیریت محله نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت مشارکت آنها در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های مربوط به اداره امور محله‌های شهری

ردیف	گویه‌ها	بررسی میزان مشارکت مردم					کل	میانگین	انحراف معیار
		فراوانی	کاملاً مخالف	متوسط	موافق	کاملاً موافق			
۱	مدیران شهری برای کلیه شهروندان در مورد داشتن شرایط برابر در تصمیم‌گیری‌ها، شفاف‌سازی کرده و باعث ارتقای مشارکت آنان گردیده است.	تعداد	128	100	82	40	33	2.3473	1.2748
		درصد	33.42	26.11	21.41	10.44	8.62		
۲	مدیران شهری با آموزش‌های لازم و ظرفیت‌سازی بیشتر مناسب مشارکت را برای شهروندان مهیا نموده که ارتقاء مشارکت را موجب گردیده است.	تعداد	121	109	81	46	26	2.3394	1.2278
		درصد	31.59	28.46	21.15	12.01	6.79		
۳	مدیران شهری با توانمندسازی سایر نهادهای نظارتی مستقل و سپردن حساسی به آن‌ها موجبات افزایش مشارکت شهروندان را فراهم می‌آورند.	تعداد	116	79	57	87	44	2.6449	1.4083
		درصد	30.29	20.63	14.88	22.72	11.49		
۴	مدیران شهری با اعتماد به شهروندان، اختیار تصمیم‌گیری و فعالیت بر اساس اطلاعات را به شهروندان داده که این مسئله در افزایش مشارکت آنان تأثیر فزاینده‌ای داشته است.	تعداد	101	35	54	120	73	3.0757	1.49064
		درصد	26.37	9.14	14.10	31.33	19.06		
۵	در انجام طرح، تصویب آن و اجرای قوانین شهری به شهروندان آگاهی داده می‌شود که این امر سبب ارتقاء مشارکت آنان در اجرای طرح‌های شهری می‌گردد.	تعداد	105	70	64	66	78	2.8486	1.4997
		درصد	27.42	18.28	16.71	17.23	20.37		
۶	به اعتراض و شکایات شهروندان در یک مرجع ذیصلاح رسیدگی شده و این مسئله سبب گردیده تا آنان پناهمگاهی برای آلام خویش یافته و در طرح‌های مربوط به امورات محله‌های شهری بیش‌ازپیش مشارکت نمایند.	تعداد	124	57	67	71	64	2.7232	1.4922
		درصد	32.38	14.88	17.49	18.54	16.71		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

با توجه به جدول شماره ۷، مقدار میانگین بدست آمده در بیشتر گویه ها کمتر از حدمتوسط نظری (فرضی) بوده و نشان می دهد که مردم در مدیریت محله های شهری مشارکت نداشته و به نظرات آنها توجهی نمی شود، به همین دلیل گزینه های مخالف و خیلی مخالف بیشتر مورد توجه پاسخگویان بوده است. علاوه بر این، نتایج حاصله از جدول فوق نشان می دهد شهروندان از عملکرد مدیران شهری در رابطه با مسئله مشارکت، راضی نبوده و مدیران شهری بدون فراهم کردن شرایط مشارکت مردم اقدام به طرح های شهری و محله ای می کنند و مردم را کمتر در این کارها دخالت نمی دهند از این رو به نظر می رسد که میزان مشارکت دادن مردم در تصمیم گیری ها و برنامه های مدیریت شهری بسیار کم است. از سوی دیگر از پاسخگویان در رابطه با دیدگاه ها و نقطه نظرات آنها در رابطه با مشارکت و درگیر شدن در امورات مدیریت محله های شهری پرسش شده است، جدول شماره (۷) بیان کننده نقطه نظرات و دیدگاه های شهروندان در باره مشارکت می باشد.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نظرات و دیدگاه های آنها در باره مشارکت داشتن در امور مربوط به محله زندگی خود

ردیف	گویه ها	دیدگاه مردم درباره مشارکت						
		فراوانی	کاملاً مخالف	مخالف	متوسط	موافق	کاملاً موافق	کل
۱	مشارکت شهروندان (هم محله ای ها) باعث انسجام و همدلی آنها با مسئولین می شود	تعداد	54	73	74	70	112	383
		درصد	14.10	19.06	19.32	18.28	29.24	
۲	من وقتی در کاری مشارکت می کنم احساس غرور می کنم	تعداد	68	75	57	69	114	383
		درصد	17.75	19.58	14.88	18.02	29.77	
۳	مشارکت سبب بهبود روابط من با سایر شهروندان (هم محله ای ها) می شود	تعداد	76	67	62	56	122	383
		درصد	19.84	17.49	16.19	14.62	31.85	
۴	مشارکت باعث آسان تر شدن کارها می شود	تعداد	72	71	74	76	90	383
		درصد	18.80	18.54	19.32	19.84	23.50	
۵	مشارکت باعث ایجاد احساس مسئولیت می شود	تعداد	54	73	64	75	117	383
		درصد	14.10	19.06	16.71	19.58	30.55	
۶	مشارکت باعث افزایش روحیه همدلی و وفای در محله می شود	تعداد	62	86	68	70	97	383
		درصد	16.19	22.45	17.75	18.28	25.33	
۷	مشارکت سبب استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی و منابع موجود در محله می شود.	تعداد	74	82	81	91	55	383
		درصد	19.32	21.41	21.15	23.76	14.36	

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵

با توجه به جدول شماره ۸ مشاهده می شود که بیشتر پاسخگویان در مورد متغیر دیدگاه مردم نسبت به مشارکت در مدیریت شهری گزینه های موافق و کاملاً موافق را انتخاب کرده اند، این موضوع بیانگر اشراف و آگاهی شهروندان به مزایای مشارکت است

به گونه ای که مردم (شهروندان) مشارکت در مدیریت محله های شهری را مفید می دانند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان رضایتمندی از خدمات شهری

ردیف	گویه ها	رضایتمندی از خدمات شهری					
		فراوانی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	
۲۳	میزان رضایتمندی از خدمات و تسهیلات موجود	تعداد	133	97	65	53	383
		درصد	34.73	25.33	16.97	13.84	
۲۴	میزان بهتر شدن آینده محله از نظر وجود امکانات	تعداد	112	71	60	91	383
		درصد	29.24	18.54	15.67	23.76	
۲۵	میزان رضایتمندی کیفیت معابر و مبلمان شهری	تعداد	131	87	77	54	383
		درصد	34.20	22.72	20.10	14.10	
۲۶	میزان رضایتمندی از خدمات سفرهای درون شهری	تعداد	132	102	75	44	383
		درصد	34.46	26.63	19.58	11.49	

1.41964	2.7885	383	51	95	64	68	105	تعداد	میزان رضایتمندی از دسترسی به فضاهای سبز و پارک و مراکز تفریحی
			13.32	24.80	16.71	17.75	27.42	درصد	
.46972۱	3.0470	383	۷۵	۱۰۵	۵۸	۵۳	۹۲	تعداد	میزان رضایتمندی از دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی
			۱۹.۵۸	۲۷.۴۲	۱۵.۱۴	۱۳.۸۴	۲۴.۰۳۲	درصد	
1.45165	3.0888	383	65	130	58	34	96	تعداد	میزان رضایتمندی از دسترسی به مراکز آموزشی
			16.97	33.94	15.14	8.88	25.07	درصد	
1.33608	2.4308	383	40	47	78	91	127	تعداد	میزان رضایتمندی از خدمات ارائه شده توسط شهرداری (نظیر جمع‌آوری زباله، آسفالت معابر...)
			10.44	12.27	20.37	23.76	33.16	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

با توجه به جدول شماره ۹ مشاهده می‌کنیم که میانگین بیشترگویه‌ها پایین‌تر از حد متوسط نظری (فرضی) بوده و این نشان‌دهنده آن است که میزان رضایتمندی شهروندان از خدمات ارائه شده توسط شهرداری در حد کم و خیلی کم می‌باشد.

بالاترین میانگین مربوط به "میزان دسترسی به مراکز آموزشی است" و بعد از آن "میزان رضایتمندی از دسترسی به مراکز بهداشتی - درمانی است". وجود مدارس غیرانتفاعی و مراکز آموزشی متنوع در محله‌هایی نظیر ولنجک، زعفرانیه و دزاشیب یکی از دلایل بالابودن میانگین در این دو گویه است.

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر مدیریت محله

انحراف استاندارد	میانگین	کل	مدیریت محله					گویه‌ها	
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		فراوانی
1.41686	2.6971	383	47	89	61	73	113	تعداد	میزان به‌کارگیری ساکنین محله در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها
			12.27	23.24	15.93	19.06	29.50	درصد	
1.35697	2.4700	383	43	52	70	95	123	تعداد	میزان انجام کارهای مشارکتی و جمعی در سطح محله
			11.23	13.58	18.28	24.80	32.11	درصد	
1.47334	2.8486	383	63	94	55	64	107	تعداد	میزان حمایت از ایجاد تشکل و توسعه سازمان‌ها و انجمن‌های محلی (CBOs)
			16.45	24.54	14.36	16.71	27.94	درصد	
1.38468	2.4413	383	42	55	71	77	138	تعداد	میزان دارا بودن قدرت و توانایی گفتگو برای تغییر مسائل در سطح محله
			10.97	14.36	18.54	20.10	36.03	درصد	
1.35151	2.5013	383	43	53	76	92	119	تعداد	میزان قدرت و تصمیم‌گیری در اتخاذ تصمیمات راهبردی و سیاست‌گذاری و ...
			11.23	13.84	19.84	24.02	31.07	درصد	
1.34168	2.4830	383	40	54	79	88	122	تعداد	میزان قدرت و نفوذ در کسب اطلاعات و آمارهای موردنیاز در سطح محله و فرا محله جهت تصمیم‌گیری‌های اساسی در سطح محله
			10.44	14.10	20.63	22.98	31.85	درصد	
1.42920	2.6397	383	46	88	51	78	120	تعداد	میزان قدرت و نفوذ در تأمین و ارائه خدمات و رفع نیازها در سطح محله
			12.01	22.98	13.32	20.37	31.33	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

همانطور که از جدول شماره (۱۰) برمی‌آید، میانگین تمام گویه‌های مربوط به متغیر مدیریت محله پایین‌تر از حد متوسط میانگین (فرضی) بوده و این نشان می‌دهد که پاسخگویان عمدتاً گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند. افزون بر این، می‌توان اذعان کرد که اهالی محله با مدیران خود در ارتباط نبوده و قادر نیستند صدای خود را به گوش مسو. لین و مدیران شهری برسانند، به طور کلی ویژگی مهم و مثبت محله، داشتن نوعی روح جمعی، که

مظاهر آن وحدت و پیوستگی افراد به یکدیگر وبامسئولین و مدیران و احساس یگانگی و نیز آمادگی برای مساعدت و همکاری در راه حفظ شعار محله و بهبود اوضاع آن بوده است، می باشد. براین اساس، مدیریت توسعه پایدار محله های شهری در صدد است تا با دستیابی به اهداف توسعه ای پایدار در مقیاس اجتماعات محله ای و اجزای سازنده محیط شهری، نتایج توسعه ای پایدار را به صورت ملموس و قابل ارزشیابی درآورد وبه دلیل ناکامی اهداف توسعه ای پایدار، چرخش مقیاس آن را اکنون از مقیاس شهر و ناحیه به مقیاس محله های شهری مشاهده می کنیم به گونه ای که مقیاس محلات برای توسعه ای پایدار اکنون مقیاس بهینه تعریف شده است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸:۶۳).

## ۵-۲- یافته های تحلیلی

دراین قسمت برای پاسخگویی به سؤال تحقیق و آزمون فرضیه مربوط به آن، از آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T تک نمونه ای، استفاده شده است، همانطور که پیشتر نیز گفته شد سؤال این تحقیق عبارت بود از: آیا مشارکت مردم درمدیریت بهینه و پایدار محله های شهری تاثیرگذار است؟ به عبارت دیگر، آیا برای داشتن مدیریت شهری محله محور پایدار به مشارکت و همفکری مردم (شهروندان) نیاز است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا به بررسی رابطه بین مشارکت شهروندان ومدیریت مطلوب محله های شهری می پردازیم، به دلیل نرمال بودن داده های مربوط به متغیر مشارکت شهروندان و مدیریت محله های شهری، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

جدول شماره ۱۱: محاسبه ضریب همبستگی بین دو متغیر مشارکت شهروندان و مدیریت محله های شهری

همبستگی ها	
متغیرها	مدیریت محله های شهری
مشارکت شهروندان	همبستگی پیرسون ۰.۶۲۹**
سطح معناداری	۰.۰۰۰
فراوانی	۳۸۳

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵

براساس داده های گردآوری شده و با توجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۱۱ مشاهده می کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، میان متغیر مشارکت شهروندان و مدیریت محله های شهری، یک رابطه معنادار ومثبت وجود دارد. شدت این رابطه نیز ۰.۶۲ می باشد که از همبستگی بالایی حکایت دارد، بنابراین، فرض  $H_0$  تحقیق مبنی بر عدم معناداری رابطه میان متغیر مشارکت شهروندان و مدیریت محله های شهری رد و فرض  $H_1$  تحقیق پذیرفته می شود. این بدان معنا است که مشارکت شهروندان در مسائل مربوط به محله و شهرشان حائز اهمیت بوده و برای داشتن یک مدیریت محله ای / شهری پایدار و موفق به این مشارکت نیاز دارند، بعبارت دیگر، هرچه مشارکت شهروندان بیشتر شود، مدیریت محله های شهری هم بهتر می شود. این وضعیت در محله های شهری منطقه ۱ تهران بدلیل تمکن مالی بیشتر ساکنین وعدم نگرانی آنها از مشارکت مالی در زمینه بهبود و ارتقای کیفیت محله های مسکونیشان، بیشتر قابل مشاهده است واکثر آنها ترجیح می دهند تا در امورمربوط به محله زندگی خود مشارکت فعال داشته باشند. برای این که از میزان مشارکت شهروندان محله های مورد مطالعه در مدیریت محله های شهری منطقه ۱ تهران اطلاع پیداکنیم از آزمون T تک نمونه ای (T test) استفاده شده است

جدول شماره ۱۲: آزمون سطح معناداری میزان مشارکت شهروندان محله‌های مورد مطالعه در مدیریت محله

مشخصات آماری آزمون T تک نمونه‌ای				
متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
میزان مشارکت شهروندان محله‌های شهری منطقه ۱ تهران	383	581۲.۳	.85107۰	.04349۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

نتایج این آزمون نشان می‌دهد مقدار سطح معنی‌داری (sig) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر برابری میانگین با عدد ۳ پذیرفته نمی‌شود با توجه به اینکه مقدار میانگین ۳.۲۵۸۱ بدست آمده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که میانگین جامعه بیشتر از میانگین حد متوسط (۳) است و این خود بدان معنا است که اکثریت افراد گزینه‌ها زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند در نتیجه، فرض  $H_0$  رد شده و فرض  $H_1$  تأیید می‌گردد و این بدان معناست که شهروندان محله‌های مورد مطالعه در منطقه ۱ شهرداری تهران بر این باور بودند که لازمه داشتن مدیریت محله‌ای / شهری کارآ، اثربخش و پایدار، مشارکت حداکثری مردم در کلیه تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های محله / شهر می‌باشد چه این که، مدیریت محله‌ای مشارکتی بر این عقیده بنیادین استوار است که همه افراد حق دارند در اموری که مربوط به خودشان است احساس مسئولیت نمایند، درباره آن فکر کنند و اندیشه خود را بدون ترس بیان کنند و بر تصمیم‌هایی که بر زندگی آن‌ها اثر گذار است دخالت داشته باشند، همچنین آن‌ها بر این باور بودند که بدون مشارکت شهروندان، توسعه محله / شهر امکان پذیر نیست، زیرا مشارکت به عنوان هدف و ابزار توسعه مطرح است. از سوی دیگر، فرآیند مشارکت، کیفیت تصمیم‌ها را بالا می‌برد و موجب کارایی ساختارهای غیر متمرکز می‌شود، افزون بر این، از آنجایی که مشارکت یک تلاش گروهی و متقابل است، روحیه مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، رفتار خلاق و مبتکرانه را ایجاد و تقویت می‌کند.

#### ۶- بحث و نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

مدیریت محله‌ای رویکرد نسبتاً جدیدی به بهبود خدمات عمومی می‌باشد که در ساده‌ترین حالت مدیریت محله ارتباطی بین جوامع محلی و ارائه‌دهندگان خدمات محلی در سطح یک محله به منظور مقابله با مشکلات محلی و بهبود خدمات محلی است.

(Department for communities and local government, 2011, 1)، از آنجایی که مدیریت محله بر اساس مسئولیت شهروندی، عدم تمرکز و احساس تعلق شکل می‌گیرد، پیش شرط‌های اصلی تحقق عملی آن عبارتند از:

✓ توانایی فنی و مدیریت حکومت محلی،

✓ مشروعیت سیاسی در تصمیم‌گیری،

✓ دسترسی به منابع

✓ دارا بودن چارچوب حقوقی (شفیعی، ۱۳۸۷، ۱۲)

یکی از اهداف اصلی این رویکرد این است که ساکنان محله‌های شهرها از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسئولیت پذیر تبدیل شوند. در این نگرش، شهروندان اشیاء بیجان نیستند بلکه عاملانی فعال هستند و مدیریت شهری باید آنها را فعالانه در تمامی مراحل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دخالت دهند. در واقع با فراهم کردن فضای رقابتی، از شهروندان انتظار می‌رود که در مدیریت و اداره امور محله‌های خود مسئولیت پذیر بوده و اقدامات



ضروری جهت بهبود امور خویش را به انجام رسانند. در واقع مدیریت محله‌های شهری با خلاقیت فراوان، سیاست از پایین به بالا، شبکه‌های خودسازمانی را توسعه داده و رویکردهای سنتی سلسله مراتبی و سیاست از بالا به پایین و دیوان سالاری را کمرنگ و ناکارآمد کرده است (Dekker & Kempen, ۲۰۰۰) با توجه به این رویکرد و براساس مطالعات انجام شده در پنج محله منطقه ۱ شهرداری تهران، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

(۱) باتوجه به این که در محله‌های مورد مطالعه به لحاظ اکولوژی اجتماعی شهر قشر متوسط و به بالا به لحاظ درآمدی زندگی می‌کنند، در نتیجه شایسته است برای مدیریت بهینه محله و ارائه خدمات ارزنده‌تر، از ایده‌های مثبت و علمی و هم چنین توان مالی خوب شهروندان این محله‌ها استفاده کرده و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها از پیشنهادات و برنامه‌های آنها استفاده کرد.

(۲) باتوجه به دیدگاه‌های مثبت شهروندان در خصوص دیدگاه‌های مشارکتی، نتیجه گرفته می‌شود که مدیریت شهری مشارکت جو زمینه رشد و ارتقای استعدادها و توانمندی‌های افراد را فراهم کرده و به اعتماد به نفس شهروندان کمک شایان توجهی می‌کند

(۳) محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع، مستلزم ظرفیت بالای مدیریت است که مدیریت محله‌های شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. در نتیجه بهتر است تامدیران شهری با شفافیت و پاسخگویی، شهروند مداری و التزام مدنی در زمینه نهادینه سازی مفهوم مشارکت و ارتقاء ارزش‌های مردم سالاری آن اقدام کنند.

(۴) از آنجایی که حضور مردم برای حل مشکلات خود مردم امری لازم است و در صورتی که مردم نخواهند یا نتوانند برای کمک به اداره امور شهر یا محله خود گام بردارند، این نتیجه حاصل می‌شود که مدیریت شهری نتواند مسائل حادی که شهر با آنها روبروست را حل کند، از طرف دیگر اگر برنامه ریزان و مدیران امور شهری خواستار اجرا و تحقق برنامه‌های خود هستند باید آنها را با محیط اجتماعی هماهنگ سازند و چنین امری تنها با مشارکت مردم به دلیل شناخت ژرف آنها از نیازها، خواسته‌ها و محیط اجتماعی خود امکان پذیر است.

(۵) نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که از نظر ساکنین محله‌های مورد مطالعه، فعالیت‌های مدیریت محله در زمینه فعالیت‌های عمرانی (ایجاد میدان، خیابان، مدرسه و ...)، فعالیت‌های مربوط به محیط زیست (ایجاد فضای سبز، جنگل کاری و ...)، فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری (نظافت شهری، دفع زباله و ...) و فعالیت‌های مربوط به رفاه شهری (ایجاد سرای محله، کتابخانه و ...) از اهمیت زیادی برخوردار بوده و مردم بصورت گسترده در انجام چنین فعالیت‌هایی مشارکت خواهند داشت.

با توجه به نتایج تحقیق، راهکارها و پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱- جلب اعتماد و نگرش شهروندان (اعتماد سازی): در این زمینه دو پیشنهاد اساسی ارائه می‌گردد:

الف) شفاف سازی: مدیران محله‌های شهری می‌توانند با برگزاری جلسات عمومی و خصوصی در سطوح مختلف با ساکنان محله‌ها به صورت شفاف و رو در رو ساکنان را در جریان تصمیم‌گیری‌ها قرار دهند البته استمرار این جلسات بسیار مهم است.

ب) آگاه ساختن از طرح‌های گذشته: با آگاه ساختن ساکنین محله از طرح‌های گذشته و نشان دادن مزایای آن به ساکنین، آن‌ها جهت مشارکت ترغیب می‌شوند.

۲- **انعطاف پذیری:** در این زمینه نیز دو پیشنهاد اساسی ارائه می‌شود:

الف) پوشش همه اقشار محله: رویکرد مدیریت محله محور باید امکان جذب افراد با توانایی‌های متفاوت اقتصادی، موقعیت اجتماعی، قومی و غیره را داشته باشد.

ب) امکان مشارکت ساکنان در مراحل مختلف طرح: چنانچه قرار باشد طرحی در سطح محله‌های شهری اجرا شود، باید زمینه مشارکت برای ساکنین محله‌ها مهیا باشد تا در مراحل مختلف اجرای طرح حضور داشته باشد.

۳- ظرفیت سازی و توانمند سازی در محله‌های شهری: هر طرحی نیازمند ظرفیت سازی‌هایی هدفمند در مقیاس محله می‌باشد، که باید به آن توجه شود، هرچند محله‌های مورد بررسی در این پژوهش اکثراً دارای توانمندی مطلوب اقتصادی بودند اما مسائل مالی به شدت انگیزه و توان ساکنین را در مشارکت محله‌ای خود تقویت می‌کند.

افزون بر این موارد، می‌توان جهت مشارکت بهتر شهروندان آر راهکارهای زیر نیز استفاده کرد:

✓ تدوین طرح‌های توسعه مناسب در سطح محله‌های شهری مانند برنامه‌ریزی توسعه استراتژیک (CDS).

✓ افزایش سطح آگاهی مردم و مدیران شهر نسبت به اهمیت و ضرورت مشارکت شهروندان با استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی.

✓ الزام مدیران شهری به ارزش قائل شدن برای دیدگاه‌های شهروندان در مدیریت و برنامه‌ریزی‌های محلی.

✓ بکارگیری ابزارهایی چون نظرخواهی از شهروندان در برنامه‌ریزی شهری، ایجاد نمایشگاه‌هایی با محوریت مشارکت شهروندان در مدیریت محله‌ها، تشویق و توسعه تشکل‌های مردم نهاد فعال در حوزه مدیریت محله‌ها و ... به منظور ارتقاء و تقویت مشارکت شهروندان در مدیریت محله خود.

✓ توجه اساسی به رویکرد مشارکتی به گونه‌ای که زمینه حضور شهروندان در کلیه مراحل توسعه و مدیریت محله‌ها فراهم گردد.

✓ ایجاد پارک کودک در محله‌های مورد مطالعه

✓ نیازسنجی و الویت قرار دادن نیازهای اساسی شهروندان در امر توسعه محله‌های شهری.

✓ تقویت شورایاری‌های محله‌های شهر به منظور شناسایی مسائل و مشکلات محله‌ها و ارائه خدمات مناسب به آنها.

✓ طراحی سایت ویژه‌ی هر محله که در آن به طور مستقیم با شهردار ناحیه خود ارتباط برقرار کنند و مشکلات محله خود را بیان کنند، همچنین به نظرخواهی و برقراری روابط الکترونیکی بپردازند.

## منابع

امین‌ناصری، آراز (۱۳۸۶): برنامه‌ریزی محله‌ای (مبانی، تعاریف، مفاهیم و روش‌ها)، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره نوزدهم و بیستم. بزی، خدارحم - میرکتولی، جعفر - زایدلی، حاجی سلطان، (۱۳۹۶)، ارزیابی نقش و تأثیر شورایاران محلی بر افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری محله محور (مطالعه‌ی موردی: شهرگران)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۴۶، (صص ۱۴۷ - ۱۶۸).

خادم حسینی، احمد (۱۳۹۱)، شهر سازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری، نشریه چشم انداز جغرافیایی، شماره نوزدهم، (صص ۱۰۸-۱۲)

حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)؛ برنامه‌ریزی محله-مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، (صص ۳۷-۴۶)

حکمت نیا، حسن (۱۳۸۶)، سنجش میزان و عوامل مؤثر بر رضایت مندی شهروندان از عملکرد شهرداری، مطالعه موردی شهر یزد، مجله جغرافیا و توسعه دانشگاه زاهدان شماره ۹ (صص ۲۷-۸۵)

رضایی، محمدرضا - نگین ناجی، سوده، (۱۳۹۴)، بررسی راهکارهای موثر در ایجاد محله پایدار با رویکرد مشارکتی (مطالعه موردی: محله راهنمایی یاسوج)، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۶، شماره ۲۰، (صص ۶۹-۸۲)

زنگی آبادی، علی و زنگنه، مهدی (۱۳۹۳)، شهروندی مشارکتی و نقش آن در بهینه سازی مدیریت شهری (نمونه مورد مطالعه: منطقه ۱ شهرداری مشهد)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۲، (صص ۲۱۹-۲۳۸)

ساسان پور، فرزانه - سلیمانی، محمد - ضیائی، پرویز و دلفان آذری، زهرا (۱۳۹۴)، جایگاه محله در توسعه پایدار شهر (مورد مطالعه: محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری تهران)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۱، (صص ۱۵۹-۱۷۶).

شعاعی، علی (۱۳۹۴)، راهبردهای توسعه محله‌ای با رویکرد مشارکتی از طریق دفاتر تسهیلتی (مورد مطالعه: بافت فرسوده محله جمهوری شهر تهران)، فصلنامه توسعه محلی (شهری - روستایی)، دوره ۷، شماره ۱، (صص ۱۰۳-۱۲۸)

عباس زاده، محمد (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر مطالعه موردی شهر اصفهان استادان راهنما دکتر ربانی پایان نامه دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

عظیمی آملی، جلال (۱۳۸۸)، اصطلاحات و مفاهیم علوم شهری، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، بابل.

عظیمی آملی، جلال و عبدالرضا رکن الدین افشاری (۱۳۹۳)، حکمروایی روستایی، سمت، تهران.

علیزاده، کتابون - رضوی نژاد، مرتضی و رادفر، مینا (۱۳۹۲)، بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (مشهد ۱۰ نمونه موری: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره اول، (صص ۶۱-۸۷).

فنی، زهره - سجادی، ژیلا و سلیمانی، منصور (۱۳۹۴)، نقش سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت و مشارکت محله‌ای (مورد مطالعه: محله‌های سلیمانی (تیموری) و هاشمی منطقه ده شهر تهران)، دوره ۵، شماره ۱۸، (صص ۱۰۵-۱۲۲)

فنی، زهره، صارمی، فرید (۱۳۹۲)؛ رویکرد توسعه پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران مورد: محله بهار منطقه ۷، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳۰، (صص ۳۵-۵۶)

دفتر آمار و اطلاعات استانداری تهران، معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال، سالنامه آماری استان تهران، (۱۳۹۰)

معصومی، سلمان (۱۳۹۰)؛ توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلان شهر تهران، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، نشر جامعه و فرهنگ، (صص ۱۵)

موسوی، سید احمد، (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای با تاکید بر سرمایه‌های اجتماعی (مورد مطالعه کوی طلاب مشهد) به راهنمایی دکتر علی اکبر تقوایی، دانشگاه تربیت مدرس.

مدنی، بهاره (۱۳۹۱)؛ ارزیابی الگوهای نوین برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای، نمونه موردی: محله نارمک تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

نوریان، فرشاد - مظفری پور، نجمه (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تاکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، (نمونه موردی محلات هفتگانه‌ی ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران)، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۴، (صص ۴۷-۵۶)

نوری کرمانی، علی (۱۳۹۴)، ارزیابی برنامه‌ریزی مشارکتی طرح مدیریت محله در شهر تهران، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره پانزدهم صص ۱۸۳-۲۱۸.

- مرادی، (۱۳۷۶) توسعه شهری در استان مازندران، چهارمین همایش تخصصی بافت‌های فرسوده، تهران سازمان ملی و مسکن.
- یغفوری، حسین و رفیعیان، سجاد (۱۳۹۴)، بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد: شهر فسا)، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال هفتم، شماره ۲۷ (صص ۸۱-۱۰۰)
- Clayton, B.D. & Bass, S., 2002, Sustainable Development Strategies: A resource Book, OECD, Earth scan publication, first publish.
- Laurian, (2004), Public participation in environmental decision making, journal of American planning association 70, pp: 50-65.
- Peris J., Cebillo-baque M.A., Calabuig C. (2011), Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006, Habitat international, No35, pp: 84-92.
- Purvis, M., Grainger, A., 2004, Exploring Sustainable Development, Geographical Perspectives, Earthscan Publications Limited First Published by Earthscan in the UK and USA.
- Singhal, Shaleen, Berry, J and MC=cGreal Stanle (2009) A Framework for assessing regeneration, business strategies and Urban Competitiveness, local economy, Vol.24, NO2, pp: 111-124.
- UNVHS (Habitat), (1996) The role of community participation in human settlements work, Nairobi
- Xing, Y. & et al., 2009, A Framework Model for Assessing Sustainability Impact of Urban Development, Accounting forum, Vol. 33, pp: 209-224.